

# نقش تغذیل کننده جهتگیری مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلستگی و تعهد زناشویی

فائزه آشناد<sup>۱</sup>

حسین رضائیان بیانی<sup>۲</sup>

محمد رضا احمدی<sup>۳</sup>

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تدبیل کننده جهتگیری مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلستگی و تعهد زناشویی، با روش توصیفی و ارزونه هم‌ستگی انجام گرفته است. بدین منظور ۲۷۸۶ نفر از جامعه دانشجویان و طلاب متأهل شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ به روش نمونه‌گیری در دسترسی انتخاب شده و به پرسش‌نامه‌های تعهد زناشویی آذمازو جوزن، سبک‌های دلستگی کوپلیزرو بدب و جهتگیری مذهبی آپورت پاسخ دادند. برای آزمون فرضیه‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از هم‌ستگی و تحلیل رگرسیون تعدیلی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک دلستگی ایمن و جهتگیری مذهبی درونی با تعهد زناشویی، رابطه مثبت و معنادار بین سبک دلستگی اضطراری و جهتگیری مذهبی بیرونی با تعهد زناشویی، هم‌ستگی منفی متداور وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از آن بود که جهتگیری مذهبی درونی و بیرونی در رابطه بین دو سبک دلستگی ایمن و اجتنابی با تعهد زناشویی (وجیز، اثرتعدیل گردید) داشت. یافته‌های پژوهش نشان دهنده اهمیت کیفیت کیفیت دیداری و سبک‌های دلستگی در فرازیند غنی سازی روابط عاطفی همسران و ثبات زناشویی است.

وارقان کلیدی: تعهد زناشویی، جهتگیری مذهبی بیرونی، جهتگیری مذهبی درونی، سبک دلستگی ایمن، سبک دلستگی اجتنابی، سبک دلستگی اضطراری.

۱. سطح سه تعلیم و تربیت اسلامی، جامعه الرهاء [لیبل]. قم؛ lazeashnadv@gmail.com

۲. دانش آموزی سطح سه حوزه دانشجوی دکتری روان‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی [رهبری]، قم. (نویسنده مسئول)؛ h.rezaeian60@gmail.com

۳. دانش آموزی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی [رهبری]، قم؛ m.r.ahmadi313@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۱/۱۲/۸۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲۵

## مقدمه

د蔓ای اسلامی و آموزه‌هایی که نظام خانواده را معرفی و تبیین می‌کند، از ازدواج و شکل‌گیری خانواده به عنوان «میثاق غلیظ» و پیوندی مستحکم و پایداریاد می‌شود (نساء: ۲۱) و حربیم خانواده، سکونت و پایگاه موانتست، الفت، مودت و رحمت معرفی می‌گردد (روم: ۲). براساس حربیم امنیت، سکونت و پایگاه موانتست، الفت، مودت و رحمت معرفی می‌گردد (روم: ۲). نظر متخصصان، ازدواج موفق دارای سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است (اسلامزاده، صادقی و اسماعیلی، ۱۳۹۸، ص ۱۹). در این میان، تعهد زناشویی؛ قوی ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (Mossko, 2009). تعهد زناشویی را می‌توان احساس تداومی که در جاذبه بین زوجین بدون توجه به نوسان میزان رضایتمندی وجود دارد پیش‌بینی کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (Adams, Jones, 2004, p.1172; Nelson, 2011, p.22). خود قائلند، تعریف کرد (Amoto, 2004, p.53). به عبارت دیگر، تعهد زناشویی که برای روابط زناشویی حدی است که در آن، افراد دیدگاه بلندمدتی درباره ازدواج‌شان دارند؛ برای رابطه‌شان فدآکاری می‌کنند؛ برای حفظ، تقویت و همبستگی اتحادشان کام برمری دارند و با همسرشان حتی هنگامی که ازدواج‌شان پیاداش دهنده نیست؛ می‌مانند. (زارگاریزی، ابراهیمی‌مقدم و ابی‌العلی الحسینی، ۱۳۹۹، ص ۷۵)

۵۴ مطالعات پیرامون مفهوم تعهد در ازدواج، از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و پژوهشگران از طریق مدل‌ها و نظریه‌های گوناگون، به مفهوم سازی و تبیین آن پرداختند. در بین اندیشه‌مندان متعدد، جانسون (Johnson, 1999, p.73) مدلی از آئه داده است که در آن تعهد زناشویی سه نوع تعهد شخصی، تعهد اخلاقی<sup>۱</sup> و تعهد ساختاری<sup>۲</sup> را شامل می‌شود.

تعهد شخصی، به علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زوجین، مبتنی بر جاذبه و رضایت زناشویی تعریف می‌شود و تحت تأثیر سه مؤلفه قراردارد: ۱. جذابیت همسر (عشق و علاقه به همسر)؛ ۲. جذابیت رابطه زناشویی (علاقة و رضایت از رابطه زناشویی)؛ ۳. هویت زناشویی (میزان و درجه‌ای که مشارکت یک شریک در رابطه زناشویی به عنوان خودپنداره شخصی و در نظر گرفته می‌شود).

- 
1. Personal commitment
  2. Moral commitment
  3. Structural commitment

دومین بعد تعهد، تعهد اخلاقی است. بسیاری از الگوهای نظری تعهد براین عقیده‌اند که تعهد زناشویی، بر احساس وفاداری اخلاقی به ازدواج و رابطه زناشویی مبتنی بوده و ازدواج، نهادی مقدس است (Shields, 2001)؛ یک نهاد اجتماعی مهم که تضمین‌کننده مراقبت و حمایت بوده و فداری و پایبندی به آن، ارزش شناخته می‌شود (Harmon, 2005). به طور کلی، سه مؤلفه در تعهد اخلاقی اثکذار است: ۱. تقدس بنیان ازدواج؛ ۲. وفاداری به نوع رابطه زناشویی که به ارزش‌ها و اصول اخلاقی فرد اشاره دارد و فرد می‌تواند براساس اعتقاداتش، به ازدواجش خاتمه دهد یا هم چنان به آن متوجه باشد؛ ۳. احساس دین به یک همسر.

تعهد ساختاری که سومین بعد تعهد است، در ازدواج به موانع و محدودیت‌های موجود در ترک رابطه زناشویی و احساس اجباریه تداوم آن رابطه اشاره دارد. در هسته این بعد، این عقیده وجود دارد که عوامل بیرونی ازدواج، اعم از عوامل خیالی یا واقعی ممکن است افسخ رابطه زناشویی و اختتام ازدواج جلوگیری کنند، حتی اگر انگیزه فرد برای اقدام به طلاق و جدایی قوی باشد (Shields, 2001). تعهد نسبت به همسر و نهاد ازدواج برای موفقیت یک

(Lambert , Dollahite, 2008, p.592) ازدواج بسیار اهمیت دارد.

با توجه به اهمیت تعهد در زندگی نوجوانین و نقش آن در حفظ، پایداری و سلامت ازدواج که فقدان آن سبب گستگی پیمان زناشویی و متزال شدن بنیان خانواده می‌گردد، مطالعات متعددی به عوامل موثر بر تعهد زناشویی در قالب مدل‌ها و نظریات مختلف پرداخته‌اند. بر اساس این تحقیقات، از جمله عوامل سبب ساز که نقش مهمی بر تعهد نوجوان دارد، سبک‌های دلستگی دوران کودکی است. براساس نظریه دلستگی بالبی (Bowlby, 1985) که به روابط بینن نوزادان و مرافقان اولیه‌شان می‌پردازد، دلستگی، پیوند عاطفی نسبتاً پایداری است که بینن کودک و مادر یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم با آنها است، در قالب سه الگو و سبک ایجاد می‌شود (Papalia, 2002). براساس نظریه کلاسیک دلستگی، بزرگسالان دارای دلستگی ایمن، افرادی هستند که حس مشتبی نسبت به خود و درک مشتبی از دیگران دارند، از لحاظ اجتماعی، موفق نزربوده و اعتماد به نفس پیشتری دارند. بزرگسالان دارای سبک دلستگی اجتنابی، خودشان را بی‌نیاز از دیگران می‌دانند. این افراد، آسیب پذیری را نکار و ادعا می‌کنند

دارد. (هادی، اسکندری، سهرابی، معتمدی و فرخی، ۱۳۹۳، ص ۳۳)

که نیازی به روابط نزدیک ندارند و تمایل به اجتناب از صمیمیت نشان می‌دهند. این افراد برای سرمایه‌گذاری در روابط عاطفی شان تردید ندارد و بنابراین، پایین‌ترین سطح تعهد را دارا هستند. از سوی دیگر، بزرگسالان دارای سبک دلبتگی دوسوگرا، کمتر به داشتن دیگاهی مثبت درمود خود گرایش دارند. آنها غلب درمود ارزش خود به عنوان یک همسرشک دارند و خود را برای فقدان پاسخگویی از سوی همسرشان سرزنش می‌کنند. (Bogaerts, Dalder, Kinnap, Kunst, & Buschman, 2008, p.131

در حمایت از این دیدگاه، سیمپسون (Simpson, 1992, p.434) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که افراد ایمن، تعهد بالایی نسبت به همسر خود دارد و در مقابل، افراد با دلبتگی اجتنابی و اضطرابی، دارای تعهد و اعتماد پایینی در روابط زناشویی خود هستند. همچنین پژوهش پیستول و لورانس، (Pistol & lorance, 1999, p.710) حاکی از این بود که اشخاصی که در رابطه، دلبتگی این را تصدیق کرده بودند، وفاداری شخصی قوی‌تری نسبت به افرادی که دلبتگی اجتنابی بینما کیا دلبتگی اجتنابی داشتند، گزارش کردند. جودی (Judy, 2006) در پژوهش خود یک رابطه مثبت معناداری‌بین دلبتگی ایمن و تعهد شخصی را آشکار ساخت و همچنین بیان کرد که یک رابطه منفی و معنادار نیز بین سبک دلبتگی اجتنابی و تعهد شخصی وجود دارد. در مقابل، عبدی و همکاران (۱۳۹۱، ص ۱۲۵) نشان داده‌اند که بین سبک دلبتگی اجتنابی و دوسوگرا با خیانت اینترنی، رابطه معنادار وجود دارد. همچنین پژوهش خوازمی (۱۳۹۱) نشان داده است که رابطه معناداری بین سبک دلبتگی دوسوگرا و اجتنابی با میزان رابطه خارج از زناشویی وجود دارد. نتایج پژوهش صادقی، قادری جاوید و شلانی (۱۳۹۸، ص ۱۸) نیز حاکی از این بود که سبک دلبتگی، به صورت کلی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارد. اگرچه در پیشتر پژوهش‌ها به وجود رابطه مثبت بین سبک دلبتگی با تعهد زناشویی اشاره شده است؛ با این حال، تمامی یافته‌ها در این راستا نیست. برای مثال، در پژوهشی برخلاف انتظار مشاهده شد که اثر مستقیم سبک دلبتگی اضطرابی بر تعهد زناشویی، معنادار نیست و این اثر تنها با میانجی گری خودکنترلی و طرح‌واره‌ای ناسازگار وجود

از دیگر عوامل موثر بر تعهد زناشویی، دینداری است. دین از مهم ترین تکیه‌گاه‌های روانی به شمار می‌رود که می‌تواند منای زندگی را در لحظه لحظه‌های عمر فراهم کند و در شرایط خاص با فراهم سازی تکیه‌گاه تبیینی، فرد را از تطبیق و بی معنایی نجات دهد. همچنین مذهب، شیوه مؤثری برای مقابله با مصائب، تجارت در دنیا و نشانه‌های بیماری است و در زمان مشکلات و ناراحتی‌ها، برخود روابط انسانی اش را می‌گذارد (کیانی، ۱۳۸۹، ص ۹۶). بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود برخود را در خواهی زن و شوهر از باورها دینی مستحکم، در تحقیم روابط اعضا خانواده تأثیر بسزایی داشته باشد (Call, Heaton, 1997, p.382) و در مقابل، ایمان‌داشتن به خدا، انسجام و آرامش فرد را مختل ساخته و موجب تضعیف روابط و منشا اختلاف‌های بسباری در زندگی خانوادگی گردد. (Donahue, Benson, 1995, p.60)

تکنون تحقیقات مختلفی وجود ارتباط مثبت بین دو نهاد مذهب و خانواده را تأیید کرده‌اند و نقش مهم تقیدات مذهبی در میزان تعهد و سازگاری زناشویی را نشان داده‌اند. نتایج (Hunler, Genco, 2005, p.123)، (mahoney, 2005, p.123)، (Mattingly, Wilson, Clark, Bequette, Weidler, 2012, p.246) نشان متنی‌گی، ویلسون، کلارک، باگت و واپلر، (Schramm, Marshall, Harris, Lee, 2010, p.1465) و شرام و همکاران (2010, p.1465) داد که افراد مذهبی نسبت به افراد غیر مذهبی، تعهد و رضایت زناشویی بالاتری دارند. سالیوان (Sullivan, 2001, p.610) نیز معتقد است افرادی که در سطح بالاتری از دینداری قرار دارند، نسبت به افراد دارای سطح دینی پایین‌تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ادراجه خود راضی‌تر به نظر می‌رسند. در مطالعه ناصر (۱۳۹۱، ص ۱۳۲) نیز نتایج نشان داد میزان تعهد زناشویی در بین افرادی که تقیدات مذهبی زیادی دارند، به طور معناداری بیش از کسانی است که دارای تقیدات مذهبی کم هستند و تقید مذهبی، عامل اساسی افزایش میزان تعهد زناشویی به شمار می‌آید.

نتایج پژوهش محمدی، زهراکار، داونیا و شاکرمی (۱۳۹۳، ص ۱۵) نشان داد که دینداری و ابعاد آن، رابطه مثبت و معنی داری با تعهد زناشویی دارد و پیش بین مهمی برای تعهد زناشویی است. همچنین نتایج پژوهش صادقی، قادری جاوید و شلانی (۱۳۹۸، ص ۱۸۰) حاکی از این است که بین جهت‌گیری مذهبی درونی افراد با مؤلفه تعهد ساختاری و بین جهت‌گیری مذهبی

بیونی با مؤافه تعهد شخصی زناشویی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بر اساس این پژوهش، جهمت گیری مذهبی می‌تواند به میزان ۵/۱۸=F تعهد زناشویی را پیش بینی کند.

علاوه بر نقش مستقیم دینداری بر تعهد زناشویی و روابط ساده بین این متغیرها، برخی صاحب‌نظران معتقدند دینداری می‌تواند اثر زمینه‌های شخصیتی اختلاف در زندگی را نیز تعدیل کند. برایین اساس، دین می‌تواند در رابطه بین سبک‌های دلستگی نایمی اجتنابی و اضطرابی با صمیمیت زناشویی زوجین، نقش تعديل کننده داشته باشد. در واقع، دینداری می‌تواند به این شکل تعديل کننده سبک‌های دلستگی باشد که افراد برای جبران فقدان دلستگی ایمن خود در کوکی یا نرگسالی، با اشکال و تصاویر مذهبی، به عنوان مثال خدا، Granqvist, Kirkpatrick, 2008, p.933 رابطه دلستگی تشکیل دهند و از صمیمیت بیشتری برخوردار باشند(-).

پژوهش‌های انجام شده در زمینه نقش تعديل کننده تعهد دینی در رابطه سبک‌های دلستگی با صمیمیت زناشویی نیز نشان داد که تعهد دینی، رابطه بین سبک دلستگی اجتنابی و صمیمیت زناشویی را تعديل می‌کند.(DeMaris, Mahoney, & Pargament, 2006; Lopez, Riggs, Pollard & Hook, 2011, p.1255; Sullivan, 2001, p.610; Haseley, 2006, p.301; Haseley, 2006) . نتایج مطالعه خسته‌مehr، احمدی میلاسی و سودانی (۱۳۹۳، ص ۵۱) حاکی از آن بود که تعهد دینی، رابطه بین سبک دلستگی اجتنابی و صمیمیت زناشویی زوجین را تعديل می‌کند، اما رابطه بین سبک دلستگی اضطرابی و صمیمیت زناشویی را تعديل نمی‌کند.

تحقیقات در زمینه تعهد زناشویی، دارای تاریخچه طولانی است؛ اما با وجود مطالعات سبب‌شناسی، هنوز برخی از سؤالات در این زمینه بدون پاسخ مانده‌اند. به نظرم رسد یکی از علل تغییر تعریف خانواده و مفاهیم مرتبه با آن، مردبوط به تضییف بنیان‌های فلسفی ازدواج در کشورهای غربی است تا جایی که به عنوان مثال دو مفهوم تعهد به زندگی بایکدیگر و تعهد به ازدواج، یکسان تقی می‌شوند و در پارادایم‌های مختلف، نظرات درباره این که خانواده چیست و ساختار آن چگونه باید باشد، متفاوت و همواره در حال تغییر است (اسمعیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۹). هرچند مرور پیشینه مذکور، نقش تعديل کننده دین و مذهب بر صمیمیت زناشویی را

تأثیردید می‌کند، اما پژوهشی که به بررسی نقش تعدیل کنندهٔ جهت‌گیری مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلستگی و تعهد زناشویی پرداخته باشد، یافت نشد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع تعهد زناشویی و ظرفیت بالقوه مذهبی فرهنگ بومی کشور، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا جهت‌گیری مذهبی می‌تواند رابطه بین سبک‌های دلستگی و تعهد زناشویی را تعدیل کند؟ تنبیه مطالعاتی از این نوع می‌تواند در دو سطح پیش‌گیری و درمان به طور موثرتر به آموزش زوجین، راهنمایی و مشاوره و حل مشکلات آنها کمک کند.

### دوش پژوهش

پژوهش حاضر در شمار تحقیقات نوصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش، سبک‌های دلستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا-اضطرابی) به عنوان متغیر پیش‌بین، جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) به عنوان متغیر تعديل کننده و تعهد زناشویی (تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری) به عنوان متغیر ملاکی باشد. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان و طلاب متاهل شهرقم در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ بودند که با توجه به آمارهای غیررسمی اعلام شده از سوی این مرکز در مجموع حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر بودند. حادفل حجم نمونه مورد نیاز با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، یعنی همبستگی، ۱۰۰ نفر است (دلور، ۲۰۱۳، ص ۷۹). اما با در نظر گرفتن حجم جامعه و براساس جدول مورگان، حجم نمونه مورد نیاز برای تعمیم نتایج، ۷۷۳ نفر اعلام شده است. در پژوهش حاضر با نگاه حداکثری، تعداد ۱۰۴ پرسشنامه توزیع گردید که در نهایت، به علت عدم بازگشت یا حذف پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص، داده‌های ۶۸۲ نفر مورد تحلیل قرار گرفت. برای گردآوری داده‌ها از این راهی زیراستفاده شد:

### الف: پرسشنامه تعهد زناشویی (DCI)

این پرسشنامه را Adams، Jones (1997) برای مقاصد پژوهشی تهیه کردند که سه بُعد تعهد زناشویی شامل تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری (اندازه‌گیری می‌کند. این

پرسشنامه ۴۴ سؤال دارد و بر اساس مقیاس لیکرت (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) با نمره بندی ۱ تا ۵ تنظیم شده است. دامنه کلی نمرات افراد، بین ۱ تا ۲۷۶ است و نمره بالاتر در این آزمون، بالایودن تعهد کلی زوجین را نشان می‌دهد. آدامز و جونز (Jones, Adams, 1997) در پژوهش مختلف، پایلیسی هریک از مولفه‌هارا باین ترتیب گزارش کردند: تعهد شخصی، ۹/۰؛ تعهد ساختاری، ۶۸/۰ و تعهد اخلاقی، ۶۸/۰. روابی و پایلیسی پرسشنامه در جامعه ایرانی را عباسی مولید (۱۳۸۸) بررسی کرده و با محاسبه شاخص‌های روابی، محظوظاً و همسانی درونی سؤال‌ها تأیید شده است. همچنین در مطالعه بلاغت، احمدی و گلزاری مقدم (۱۳۹۵)، آفای کرونوپاخ برای تعهد شخصی، ۷۱/۰؛ تعهد ساختاری، ۸۱/۰؛ تعهد اخلاقی، ۷۸/۰ و برای کل پرسشنامه، ۹۲/۰ گزارش شده است.

**ب: پرسشنامه سبک‌های دلپستگی کویینزو و رید<sup>۱</sup>**

کویینزو و رید (Collins & Read, 1990) این پرسشنامه را در سال ۱۹۹۰ تهییه و در سال ۱۹۹۶ ماده بازنگری کرده‌اند. مبنای نظری این آزمون، نظریه دلپستگی است. این مقیاس دارای ۱۸ ماده برآسامس مقیاس لیکرت (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) با نمره بندی ۱ تا ۵ است که چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه او را بررسی می‌کند. کویینزو و رید برای C، A، ۸۵/۰، زیرمقیاس، میزان آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس، D، ۷۷/۰، گزارش کردند. در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد با استفاده از روش ۸۸/۰ و زیرمقیاس، D، میزان آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس، A، ۸۵/۰، زیرمقیاس، C، آزمون بازآزمون بیانگران بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌های D و A معنادار نیست و آزمون بازآزمون بیانگران بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌های D و C معنادار نیست و این آزمون در سطح ۹۵ درصد قابل اعتماد است. (پاکدامن، ۱۳۸۰)

**ج: پرسشنامه چهت‌گیری مذهبی آپورت**

آلپورت و راس (Allport & Ross) در سال ۱۹۶۷ این پرسشنامه را برای سنی‌نشش چهت‌گیری‌های درونی و برونی مذهب تهییه کرده‌اند. این پرسشنامه شامل ۲۱ جمله است و بر پایه یک مقیاس چهار رده‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. عبارات ۱ تا ۱۲ چهت‌گیری مذهبی

1. Revised Adult Attachment Scale

برونی و عبارات ۱۳ تا ۲۱ جهت گیری مذهبی درونی را می سنجند. جان بزرگ (۷۰۰) این مقیاس را در ایران ترجمه کرده و اعتبار آن با ضرب الافای کرونباخ ۰/۷۸ هم محاسبه شده است. علاوه بر این، همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۶ و پیابی با زمانی آن ۰/۷۴ به دست آمده است.

### یافته‌ها

نمونه مورد مطالعه شامل ۸۸ نفر (۱۰۰ مرد و ۸۸ زن) آزمودنی بود که میانگین سنی آنها ۲۹/۲ با انحراف معیار ۳/۶ به دست آمد. به صورت میانگین، از زمان اذدواج این افراد ۳/۶ سال گذشته بود و میانگین تعداد فرزندان آنان، ۴/۳۳ محسوبه شد. از نظر تحصیلات، ۳/۶ نفر (۹ درصد) از شرکت کنندگان اشتغال به تحصیل در سطح یک حوزه، ۶/۰ نفر (۱/۷ درصد) درصد) سطح دو حوزه، ۲/۱۲ نفر (۷/۴ درصد) سطح سه حوزه و ۳/۳ نفر (۱/۱ درصد) سطح چهار حوزه داشتند. نتایج مریوط به میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱- تهدید زناشویی کل									۱
۲- تهدید شخصی								۱	۰/۸۰**
۳- تهدید اخلاقی							۱	۰/۷۹***	
۴- تهدید ساختاری						۱	۰/۵۹***	۰/۹۳***	
۵- جهتگیری مذهبی درونی					۱	۰/۴۹***	۰/۳۹***	۰/۳۹***	
۶- جهتگیری مذهبی بیرونی				۱	۰/۴۴***	۰/۳۴***	۰/۳۴***	۰/۳۴***	-۰/۰/۰
۷- سبک دلپسی ایمن				۱	۰/۱۰**	۰/۱۰**	۰/۱۰**	۰/۱۰**	۰/۳۵***
۸- سبک دلپسی اجتماعی				۱	۰/۱۹**	۰/۰۰	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰/۰
۹- سبک دلپسی اضطراری				۱	۰/۳۱**	۰/۰۰	۰/۱۹**	۰/۱۹**	۰/۲۱**
M	۱/۱/۱/۱/۱	۱/۱/۱/۱/۱	۱/۱/۱/۱/۱	۱/۱/۱/۱/۱	۱/۱/۱/۱/۱	۱/۱/۱/۱/۱	۱/۱/۱/۱/۱	۱/۱/۱/۱/۱	۱/۱/۱/۱/۱
SD	۰/۲۴	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴

\* $p < 0/0$

زناشویی، منفی و معنادار است.

کرفته شده، در جداول ۲ و ۳ نشان داده شده است.

پیش از استفاده از تحلیل رگرسیون، نرمال بودن توزیع داده‌های هر متغیر به کمک آزمون کالمگروف- اسپیرنر و آزمون شاپیرو-ولیک تایید شد. با بررسی شاخص‌های رعایت مفروضه‌ها و تخطی نکردن از شیب خط رگرسیون، نظیر هم خطی چندگانه و یکسانی پراکنگی نیز مشخص شد که داده‌ها شرایط استفاده از تحلیل رگرسیون را دارد. برای مطالعه اثر متغیر تعدیل کننده بر استحکام رابطه بین متغیرهای ملاک و پیش‌بین، براساس مدل بالون و کنی (Baron & Kenny, 1986, p.1173) در این مدل، اثر اصلی متغیر پیش‌بین و تعدیل کننده بر متغیر ملاک و همچنین اثر تعاملی پیش‌بین × تعدیل کننده روی متغیر ملاک بررسی می‌شود. (Frazier, Tix, Barron, 2004, p.115) از آن‌جا که جهت‌گیری مذهبی به عنوان متغیر تعدیل کننده شامل دو بعد درونی و بیرونی بود، اثر هر کدام از آنها بر رابطه بین سبک‌های دلستگی و تعهد زناشویی به صورت محجزاً مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از اجرای آزمون رگرسیون سلسله مرانی تعلیلی که در آن، متغیر جهت‌گیری مذهبی درونی به عنوان تعدیل کننده در رابطه بین سبک‌های دلستگی و تعهد زناشویی در نظر گرفته شده، در جداول ۲ و ۳ نشان داده شده است.

**جدول ۲:** نتایج کلی تحلیل رگرسیون سلسه مراتبی برای بروزی نقش تعدیل کننده جهتگیری مذهبی، دروغی، در اینطه مبنی سبک های دلستگی، و تعهد زناشویی

مقدار تغییر	R2 تعديل شده	P	F	Majzegan مجدوارات	Df	مجموع مجذورات	شناخت مدل
							گرسیون باقیمانده
۰/۱۳۱	۰/۱۲۵	۰/۰۰۱	۱۴/۷۲۴	۰/۰۴۵,۸۴۳	۳	۱۵/۱۳۱	۱
۰/۰۸۷	۰/۱۲۱	۰/۰۰۱	۳۰/۰/۷۷۳	۰/۰۹,۹۷۷	۴	۲۴/۴۶۶	۲
۰/۰۳۰	۰/۱۲۳	۰/۰۰۱	۱۴/۷۲۴	۰/۰۴۵,۸۴۳	۲,۸۲	۱۵/۱۳۱	۳

طبق جدول ۲، در مدل اول، متغیر سبک‌های دلستگی با ورود به معادله پیش‌بینی، به تنهایی  $13\%$  درصد از واریانس متغیر تعهد زناشویی را تبیین می‌کند که این مقدار در سطح  $0.05$  معنی دار است. در مدل دوم، متغیر جهت‌گیری مذهبی درونی وارد معادله شد و با اضافه شدن این متغیر، میزان ضرب تعبیین به  $22\%$  درصد افزایش یافت. این مقدار نیز در سطح  $0.05$  معنی دار است. در مدل سوم، با ورود متغیر تعامل جهت‌گیری مذهبی درونی و سبک‌های دلستگی حاصل ضرب تفاضل های نمرات جهت‌گیری مذهبی درونی و سبک‌های دلستگی از میانگین در معادله پیش‌بینی، ضرب تعبیین به  $25\%$  درصد افزایش یافت. این مقدار نیز در سطح  $0.05$  معنی دار است. افزایش ضرب تعبیین، حاکی از نقش تغییر کنندگی جهت‌گیری مذهبی درونی در این رابطه بین سبک‌های دلستگی و تعهد زناشویی است. بنابراین، جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه بین سبک‌های دلستگی و تعهد زناشویی را تعدیل می‌کند. به منظور این پیش‌بینی تعهد زناشویی، از ضرایب رگرسیون استاندارد شده استفاده شد.

### جدول ۳: شاخص های آماری و ضرایب رگرسیون استاندارد شده تعیین کننده جهتگیری مذهبی درونی

همان طور که مشاهده می شود ضریب پتانی استاندارد شده برای متغیر تعامل جهت گیری مذهبی (روزی و سبک دلستگی) اینم، مثبت و معنادار است ( $B_{11} = 0.50$ ،  $t = 2.20$ ) که نشان دهنده معناداری نقش تقدیم کننده جهت گیری مذهبی (روزی، در این طبقه نیز) سبک دلستگی است.

ایمین و تغهید زناشویی است. همچنین ضریب بتای استاندارد شده برای متغیر تعامل جهتگیری مذهبی درونی و سبک دلیستگی اجتنابی، منفی و معنادار است ( $t = -3.9 / 2$ ،  $P < 0.05$ )

که نشان دهنده معناداری نقش تبدیل کننده جهت‌گیری مذهبی درونی در رابطه بین سبک ادبیاتی و تعهد زناشویی است. اما طبق جدول مشاهده می‌شود که ضریب بتابی استاندار شده برای متغیر تعامل جهت‌گیری مذهبی درونی و سبک دلستگی اضطرابی، معنادار نیست ( $5/0 > d$ ,  $68/8 = 1$ ) که نشان دهنده معنادار بودن نقش تبدیل کننده جهت‌گیری مذهبی درونی در رابطه بین سبک دلستگی اضطرابی و تعهد زناشویی است.

نتایج حاصل از اجرای آزمون رگرسیون سلسله مراتبی تبدیلی که در آن، متغیر جهت‌گیری

معنادار بیرونی به عنوان تبدیل کننده در رابطه بین سبک های دلستگی و تعهد زناشویی در

نظر گرفته شده، در جداول ۴ و ۵ نشان داده شده است.

جدول ۴: نتایج کلی تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای بررسی نقش تبدیل کننده جهت‌گیری مذهبی بیرونی در رابطه بین سبک های دلستگی و تعهد زناشویی

مقدار تغییر	R2 تبدیل شده	R2 تغییر	P	F	Df	مجموع مجذورات		شاخص مدل
						میانگین	مجذورات	
۰/۱۳۲	۰/۱۳۵	۰/۱۰۰	۰/۰۰۱	۱۴/۷۲۴	۳	۵۰/۴۵,۸۴۲	۵۱۱۲۷,۵۲۵	۱ رگرسیون باقیمانده
۰/۱۰۰	۰/۱۳۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۳۶/۷۰۰	۲۸۲	۳۴۲,۷۰۰	۹۶۶۶۴۱,۴۴۴	۲ رگرسیون باقیمانده
۰/۰۶۳	۰/۱۳۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۳۶/۸۱۴	۴	۵۰/۸۲,۹۹۸	۲۹۳۳۱,۹۹۰	۳ رگرسیون باقیمانده
۰/۰۰۷	۰/۱۳۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۳۶/۸۲۰	۲۸۱	۳۰/۴۰,۸۰۲	۸۴۵,۴۴۶,۹۷۹	۴ رگرسیون باقیمانده

طبق جدول ۴، در مدل اول، متغیر سبک های دلستگی با ورود به معادله پیش بینی، به تنها ۱۳ درصد از واریانس متغیر تعهد زناشویی را تبیین می کند که این مقدار در سطح  $10/0 > \alpha$  معنی دار است. در مدل دوم، متغیر جهت‌گیری مذهبی بیرونی وارد معادله شد و با وارد شدن این متغیر، میزان ضریب تعیین به ۲۳ درصد افزایش یافت. این مقدار نیز در سطح  $10/0 > \alpha$  معنی دار است. در مدل سوم، با ورود متغیر تعامل جهت‌گیری مذهبی بیرونی و سبک های دلستگی (حاصل ضرب تفاضل های نمرات جهت‌گیری مذهبی بیرونی و سبک های دلستگی از میانگین) در معادله پیش بینی، ضریب تعیین از ۲۳ درصد به ۲۹ درصد و بدون اثر ترتیبی

متغیرهای پیش بین، به میزان ۶۰٪ افزایش یافت. این مقدار در سطح ۱۰٪ معنی دار است. افزایش ضریب تعیین، حاکی از نقش تعدیل کننده جهت گیری مذهبی بیرونی در رابطه بین سبک های دلیستگی و تعهد زناشویی است. بنابراین، جهت گیری مذهبی بیرونی، رابطه بین سبک های دلیستگی و تعهد زناشویی را تعديل می کند.

پیش بین در پیش بینی تعهد زناشویی، از ضرایب رگرسیون استاندارد شده استفاده شد.

**جدول ۵: شاخص های آماری و ضرایب رگرسیون استاندارد شده تعديل کننده جهت گیری مذهبی بیرونی**

متغیر مستقل	غیراستاندارد بنا	ضریب استاندارد بنا	ضریب معیار خطا	T	مقدار اسید	سطح
متدار ثابت	۱۱,۲۱۸	۱۱,۲۱۹	۱۱,۲۱۹	۱۰,۹۰۴	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
سبک دلیستگی اینمن	۱۱,۸۹۴	۱۱,۳۵۳	۱۱,۳۱۳	۵,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
سبک دلیستگی اجتنابی	۱۱,۷۵۰	۱۱,۳۸۰	۱۱,۳۸۰	۴,۳۸	۰,۶۶۲	۰,۵۵۰
سبک دلیستگی اضطرابی	۱۱,۷۶۷	۱۱,۳۵۰	۱۱,۳۸۷	-۱,۱۹	-۱,۹۳۸	۰,۰۰۰
متدار ثابت	۱۱,۱۳۱	۱۱,۱۳۱	۱۱,۱۳۱	۱۱,۰۵۷	۱,۱۳	۰,۰۰۰
سبک دلیستگی اینمن	۱۱,۷۰۹	۱۱,۳۳۷	۱۱,۲۸۵	۵,۰۷۶	۰,۵۹۷	۰,۰۰۰
سبک دلیستگی اجتنابی	۱۱,۶۰۰	۱۱,۳۵۸	۱۱,۳۲۹	۰,۵۲۹	۰,۵۲۹	۰,۰۰۰
سبک دلیستگی اضطرابی	۱۱,۷۳۶	۱۱,۳۳۳	۱۱,۳۰۰	-۱,۱۱۶	-۱,۲۶۰	۰,۰۰۰
جهت گیری مذهبی بیرونی	۱۱,۶۲۹	۱۱,۲۶۸	۱۱,۲۶۷	-۱,۳۲۴	-۱,۵۰۵	۰,۰۰۰
متدار ثابت	۱۱,۸۲۲	۱۱,۸۶۹	۱۱,۸۲۱	۱۱,۱۲۱	۱,۱۴۰	۰,۰۰۰
سبک دلیستگی اینمن	۱۱,۳۴۳	۱۱,۳۳۲	۱۱,۳۲۴	۴,۰۴۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
سبک دلیستگی اجتنابی	۱۱,۳۵۰	۱۱,۳۵۲	۱۱,۳۰۰	۱,۶۰۱	۰,۹۵۲	۰,۰۰۰
سبک دلیستگی اضطرابی	۱۱,۳۵۵	۱۱,۳۲۴	۱۱,۰۹۵	-۱,۰۹۵	-۱,۷۷۵	۰,۰۰۰
جهت گیری مذهبی بیرونی	۱۱,۴۶۴	۱۱,۳۳۱	۱۱,۰۸۹	-۱,۰۸۹	-۱,۰۰۰	۰,۰۰۰
جهت گیری بیرونی	۱۱,۳۴۰	۱۱,۲۵۶	۱۱,۲۵۶	۴,۴۲۵	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
جهت گیری بیرونی × سبک اجتنابی	۱۱,۰۹۰	۱۱,۰۸۹	۱۱,۰۸۹	۲,۱۴۲	۰,۳۳۰	۰,۰۰۰
جهت گیری بیرونی × سبک اضطرابی	۱۱,۰۷۰	۱۱,۰۸۴	۱۱,۰۵۰	۰,۸۸۲	۰,۳۷۹	۰,۰۰۰

## زنشویی است.

همان طورکه مشاهده می شود، ضریب بتای استانداردشده برای متغیر تعامل جهتگیری مذهبی بیرونی و سبک دلستگی ایمن، مثبت و معنادار است ( $t = 4.24 / 4 = 1.05 > 0$ ،  $P = 0.05 > 0.05$ ) که نشان دهنده معناداری نقش تعدیل کننده جهتگیری مذهبی بیرونی در رابطه بین سبک دلستگی ایمن و تعهد زناشویی است. همچنین ضریب بتای استانداردشده برای متغیر تعامل جهتگیری مذهبی بیرونی و سبک دلستگی اجتنابی، مثبت و معنادار است ( $t = 1.15 / 1.0 = 0.5 > 0$ ،  $P = 0.05 > 0.05$ ) که نشان دهنده معناداری نقش تعدیل کننده جهتگیری مذهبی بیرونی در رابطه بین سبک دلستگی اجتنابی و تعهد زناشویی است. اما طبق جدول مشاهده می شود که ضریب بتای استانداردشده برای متغیر تعامل جهتگیری مذهبی بیرونی و سبک دلستگی اضطرابی، معنادار نیست ( $t = 0.88 / 0.05 > 0.05 > 0.05$ ) که نشان دهنده معنادار نبودن نقش تعدیل کننده جهتگیری مذهبی بیرونی در رابطه بین سبک دلستگی اضطرابی و تعهد زناشویی است.

## بحث و نتیجه

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل کننده جهتگیری مذهبی در رابطه بین سبکهای دلستگی با تعهد زناشویی انجام شد. یافته اولیه پژوهش این بود که بین سبک دلستگی ایمن با تعهد زناشویی، رابطه مثبت و معنادار و بین سبک دلستگی اضطرابی با تعهد زناشویی زوجین، همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات فتحی و همکاران (۱۳۹۱، ص ۷۴)، خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۲، ص ۱۳)، عبدالالهی (۱۳۹۰)، دیوال و همکاران (۱۳۹۱)، اسکندری و همکاران (۱۳۹۵)، Pistol & lorance (۱۹۹۹، p.710)، Judy (۲۰۰۶)، و Simpson (۱۹۹۹) همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته می توان گفت: کیفیت و الگوی دلستگی در روابط عاشقانه بزرگسالی ممکن است شبیه الگوی دلستگی فرد در رابطه با والدش باشد. تداوم این الگوهای اولیه در دورهای بعدی به دو روش تبیین می گردد: اول این که انتظار می روید یک رابطه باثبات بین

کودک و مرأقب به وجود بیاید که تا بزرگسالی ثابت باقی بماند. دوم این که رشد مدل‌های ذهنی یا برآزادلپستگی که خارج از آگاهی فرد اتفاق می‌افتد می‌تواند رفتارها، افکار و احساسات او را در موقعیت‌های عاشقانه بعدی راهنمایی و هدایت نماید. درواقع، یک رابطه دلپسته ایمن می‌تواند عملکرد و شایستگی را در روابط اجتماعی تسهیل کند. مهم‌ترین ویژگی روابط دلپسته، احساس امنیت و تعلق است؛ به طوری که فرد دیگر احساس تنها یی و نازاری نکند. افرادی که سبک‌های دلپستگی ایمن دارند، اغلب از روابط خود احساس رضایت بیشتری از ارتباط‌اشان دارند و درنتیجه، روابط بندهای ترقی برقرارمی‌کنند و نسبت به دیگران، متعهدتر هستند. این افراد بیشتر به حمایت همسرشان اعتماد می‌کنند؛ چون تجربه به آنها نشان داده که همسرشان در موقعیت‌های دشوار، آنها را حمایت کرده است. از سوی دیگر، فرد دارای دلپستگی ایمن احساس می‌کند که ارزشمند بوده و ارزش مراقبت‌شدن و توجه از سوی دیگری را دارا است. بزرگسالان با سبک دلپستگی ایمن تمایل دارند تا روابط عاشقانه خود را به صورت شاد و مور در اعتماد توصیف کنند. آنها قادرند که نسبتاً آسان به دیگران تزدیک شوند و تمایل دارند که در تعامل و حمایت از شریک زندگی شان راحت باشند. با توجه به توصیحات داده شده طبیعی به نظرمی‌رسد که افراد دارای سبک دلپستگی ایمن دارای تعهد شخصی بالایی نسبت به همسر خود و ازدواجشان باشند. (فتحی، ۱۳۹۱، ص ۷۵)

در مقابل، افرادی که سطوح بالاتری از دلپستگی اضطرابی دارند، نسبت به ارزیابی هایشان Shaver, Schachner, 2005, p.343; (Mikulincer, 2005; Collins, Feeney, 2000, p.1073) از خود، تردید دارند و نگران این هستند که همسرشان آنها را ترک کنند، این افراد دیگاه کمتر مشتی در مورد خود دارند و اغلب در روابط عاشقانه، نسبت به ارزش خوبیش به عنوان یک شریک زندگی تردید دارند. به بیان دیگر، این بعد دلپستگی بالاگوی فعال سازی خود در روابط مرتبط است. یعنی این افراد گرایش دارند که در روابط، الگوی ضعیفی از خود داشته باشند، نگران آن هستند که دوست داشته نشوند یا ترک گردند و در جستجوی اطمینان آفرینی دوباره و تجربه

کودک و مرأقب به وجود بیاید که تا بزرگسالی ثابت باقی بماند. دوم این که رشد مدل‌های ذهنی یا برآزادلپستگی که خارج از آگاهی فرد اتفاق می‌افتد می‌تواند رفتارها، افکار و احساسات او را در موقعیت‌های عاشقانه بعدی راهنمایی و هدایت نماید. درواقع، یک رابطه دلپسته ایمن

می‌تواند عملکرد و شایستگی را در روابط اجتماعی تسهیل کند. مهم‌ترین ویژگی روابط دلپسته، احساس امنیت و تعلق است؛ به طوری که فرد دیگر احساس تنها یی و نازاری نکند. افرادی که سبک‌های دلپستگی ایمن دارند، اغلب از روابط خود احساس رضایت بیشتری از ارتباط‌اشان دارند

و درنتیجه، روابط بندهای ترقی برقرارمی‌کنند و نسبت به دیگران، متعهدتر هستند. این افراد بیشتر به حمایت همسرشان اعتماد می‌کنند؛ چون تجربه به آنها نشان داده که همسرشان در موقعیت‌های دشوار، آنها را حمایت کرده است. از سوی دیگر، فرد دارای دلپستگی ایمن احساس می‌کند که ارزشمند بوده و ارزش مراقبت‌شدن و توجه از سوی دیگری را دارا است. بزرگسالان با سبک دلپستگی ایمن تمایل دارند تا روابط عاشقانه خود را به صورت شاد و مور در اعتماد توصیف کنند. آنها قادرند که نسبتاً آسان به دیگران تزدیک شوند و تمایل دارند که در تعامل و حمایت از شریک زندگی شان راحت باشند. با توجه به توصیحات داده شده طبیعی به نظرمی‌رسد که افراد دارای سبک دلپستگی ایمن دارای تعهد شخصی بالایی نسبت به همسر خود و ازدواجشان باشند. (فتحی، ۱۳۹۱، ص ۷۵)

در مقابل، افرادی که سطوح بالاتری از دلپستگی اضطرابی دارند، نسبت به ارزیابی هایشان Shaver, Schachner, 2005, p.343; (Mikulincer, 2005; Collins, Feeney, 2000, p.1073) از خود، تردید دارند و نگران این هستند که همسرشان آنها را ترک کنند، این افراد دیگاه کمتر مشتی در مورد خود دارند و اغلب در روابط عاشقانه، نسبت به ارزش خوبیش به عنوان یک شریک زندگی تردید دارند. به بیان دیگر، این بعد دلپستگی بالاگوی فعال سازی خود در روابط مرتبط است. یعنی این افراد گرایش دارند که در روابط، الگوی ضعیفی از خود داشته باشند، نگران آن

عاطفی منفی هستند. افراد دوسوگارا به دلیل احساس اضطراب و طردشگی که دارند، همچنین به دلیل چسبندگی شدید و احساس خطر دائمی از بی و فایی همسر، بیش از حد برای همسر خود ایجاد مزاحمت روان شناختی کرده و باکتریل و چسبندگی دائمی به او، آزادی‌ها، استقلال و خود اختارتاری<sup>۱</sup> طرف مقابل را سلب می‌کنند و درنتیجه، سطح تعهد زناشویی در این نوع دلیستگی زوجی کاهش می‌یابد. به نظری رسید فرد اضطرابی، در رابطه با غیر همسر، احساس تندیکی و گشودگی و راحتی بیشتری را تجربه می‌کند؛ چون در آن رابطه، قید و بند و محدودیت و جبری برای ادامه وجود ندارد و هر زمان قصد خروج از رابطه را داشته باشد راحت اقدام خواهد کرد (Brennan & Shaver, 1995). (برنان و شاور، ۱۹۹۵) به نقل از اسکندری، (۱۳۹۵)

نتایج تحلیل گرسیون سلسله‌مراتبی نشان داد جهت گیری مذهبی، رابطه بین سبک دلیستگی این و اجتنابی با تعهد زناشویی را تغییر می‌کند. این یافته با نتایج اکبری (۱۳۹۵، ص. ۸)، DeMaris, Mahoney, (۱۳۹۳، ص. ۱۵)، دماراتس، ماهوئی و پارکمنت (, Lopez, Riggs, Pollard & Hook, 2011, & Pargament, 2010, p.1278

خواهد کرد (Brennan & Shaver, 1995) به نقل از اسکندری، (۱۳۹۵)

همسو است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت: مذهب به عنوان مجموعه‌ای از اعتقادات، باید ها و نباید ها و نیاز ارزش‌های اختصاصی و تعمیم‌یافته، از مؤثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به شمار می‌رود که قادر است معنای زندگی را در حلقه‌لحظه عمر فراهم کند. دین برای انسان، یک باره و موهبت الهی است که فرد را در برابر بسیاری از نامایمیت‌ها تجذیب می‌کند و باعث صبر Dudley & Ko (1990, p.86) و بردازی، احساس هم‌دلی و انعطاف پذیری در روابط با دیگران می‌شود (Sinski, 1990, p.86). دین، راهنمایی‌هایی کلی در اختیار بشر قرار می‌دهد که عمل به آنها می‌تواند منجر به استحکام پیوند زناشویی شود. این راهنمایی‌ها شامل قوانینی در مورد روابط جنسی، نقش‌های جنسیتی، "از خودگذشتگی" و حل تعارضات در روابط زناشویی هستند (Mahoney, 2005, p.136).

- 
1. Autonomy
  2. gender roles
  3. self-devotion

آن، سهم بیشتر را برای سبکی از دیدناری که جهت‌گیری آن درونی است، فائل شده‌اند. بنابراین عقیده الپورت (Allport, 1967) افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند به تعالیم مذهبشان صادقاً اعتقد از دارد و اعمال مذهبی آنها از عقیده و علم باطنی آنها نشأت می‌گیرد. بر عکس، افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند، برای کسب منافع شخصی، رفتار مذهبی نشان می‌دهند. اصولاً جهت‌گیری مذهبی درونی، بدون آگاهی و درک حضور خدا و پروردگاری ارتباط دلستگی با خدا نمی‌تواند معنادار باشد (نوعلیزاده میانچی، ۱۳۹۴، ص ۱۰). در این تعلق خاطر، خداوند به عنوان پایگاه امنی شناخته می‌شود که در همه شرایط می‌توان او را جست و جو کرد. به اعتقاد تیزیل و همکاران (به نقل از حدادی کوهسار و غباری بناب، ۱۳۹۱، ص ۷۴) دوستی درونی با خدا و بندگی او، بالا یجاد این احساس در فرد که خداوند، حامی و مرآقب اوس است، منجر به کاهش احساس رهاشدگی، پوچی و تنهاپی می‌شود. بر همین اساس، زوجین با جهت‌گیری مذهبی درونی که تجربه سبک دلسته نایین در ارتباط با تزدیکان خود در گذشته داشته‌اند، در هنگام بروز تعارضات زناشویی، به خدا توکل می‌کنند، در برابر ناملایمات زندگی از خود خویشتن داری نشان می‌دهند، در موقعیت‌های دشوار تسلیم و رضابه قضاۓ الهی را در پیش می‌گیرند، سختی‌ها و نامایمایات را متحان الهی می‌دانند و سعی می‌کنند با تحمل و کنارآمدن با آنها برا یامان خود بی‌افزایند (جان بزرگی، ۱۳۸۷؛ به نقل از عباسی سرچشم، ۱۳۸۴). آنها در هنگام اختلاف و ناسازگاری، با گذشتی زیبا، دلنشیں و بجا، همسرو افراد خانواده را مشمول عفو خود می‌سازند (فصل: ۴۳)، سکوتی حکیمانه اختیار می‌کنند (مرید، ۱۳۹۰: ۱) یا با تفکر و تعمق، راه حل بهتری را تختار کرده و در صورت ناسازگاری، از کردار خود متساق و محظوظ می‌شوند. ناگفته پیداست ازان جا که در جهت‌گیری مذهبی درونی، رفتار و گفتار فرد به مسخرش از روی تفکر و ایمان درونی و در تیزی، برای رضایت از خداوند است، بنابراین تعهد زناشویی و دوام خانواده بیزافایش می‌یابد. در این باره مطالعه کال (Gall, 2006, p. 844) نشان داد که اعتقاد قلبی به خدا می‌تواند به عنوان یک منبع پی‌باشدگی که امنیت و راحتی و همچنین کمک و راهنمایی را فراهم می‌کند، به افراد کمک کند. زوج‌ها بیان می‌دارند که وقتی خدا را در زندگی خود مد نظر قرار می‌دهند تعهد زناشویی قوی تری دارند. آنها نمایلی به رابطه خارج از رابطه زناشویی ندارند و مذهب درونی آنها

آن، سهم بیشتر را برای سبکی از دیدناری که جهت‌گیری آن درونی است، فائل شده‌اند. بنابراین عقیده الپورت (Allport, 1967) افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند به تعالیم مذهبشان صادقاً اعتقد از دارد و اعمال مذهبی آنها از عقیده و علم باطنی آنها نشأت می‌گیرد. بر عکس، افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند، برای کسب منافع شخصی، رفتار مذهبی نشان می‌دهند. اصولاً جهت‌گیری مذهبی درونی، بدون آگاهی و درک حضور خدا و پروردگاری ارتباط دلستگی با خدا نمی‌تواند معنادار باشد (نوعلیزاده میانچی، ۱۳۹۴، ص ۱۰). در این تعلق خاطر، خداوند به عنوان پایگاه امنی شناخته می‌شود که در همه شرایط می‌توان او را جست و جو کرد. به اعتقاد تیزیل و همکاران (به نقل از حدادی کوهسار و غباری بناب، ۱۳۹۱، ص ۷۴) دوستی درونی با خدا و بندگی او، بالا یجاد این احساس در فرد که خداوند، حامی و مرآقب اوس است، منجر به کاهش احساس رهاشدگی، پوچی و تنهاپی می‌شود. بر همین اساس، زوجین با جهت‌گیری مذهبی درونی که تجربه سبک دلسته نایین در ارتباط با تزدیکان خود در گذشته داشته‌اند، در هنگام بروز تعارضات زناشویی، به خدا توکل می‌کنند، در برابر ناملایمات زندگی از خود خویشتن داری نشان می‌دهند، در موقعیت‌های دشوار تسلیم و رضابه قضاۓ الهی را در پیش می‌گیرند، سختی‌ها و نامایمایات را متحان الهی می‌دانند و سعی می‌کنند با تحمل و کنارآمدن با آنها برا یامان خود بی‌افزایند (جان بزرگی، ۱۳۸۷؛ به نقل از عباسی سرچشم، ۱۳۸۴). آنها در هنگام اختلاف و ناسازگاری، با گذشتی زیبا، دلنشیں و بجا، همسرو افراد خانواده را مشمول عفو خود می‌سازند (فصل: ۴۳)، سکوتی حکیمانه اختیار می‌کنند (مرید، ۱۳۹۰: ۱) یا با تفکر و تعمق، راه حل بهتری را تختار کرده و در صورت ناسازگاری، از کردار خود متساق و محظوظ می‌شوند. ناگفته پیداست ازان جا که در جهت‌گیری مذهبی درونی، رفتار و گفتار فرد به مسخرش از روی تفکر و ایمان درونی و در تیزی، برای رضایت از خداوند است، بنابراین تعهد زناشویی و دوام خانواده بیزافایش می‌یابد. در این باره مطالعه کال (Gall, 2006, p. 844) نشان داد که اعتقاد قلبی به خدا می‌تواند به عنوان یک منبع پی‌باشدگی که امنیت و راحتی و همچنین کمک و راهنمایی را فراهم می‌کند، به افراد کمک کند. زوج‌ها بیان می‌دارند که وقتی خدا را در زندگی خود مد نظر قرار می‌دهند تعهد زناشویی قوی تری دارند. آنها نمایلی به رابطه خارج از رابطه زناشویی ندارند و مذهب درونی آنها

باعث متعهداندن به رابطه با همسرشان می شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳؛ ص ۲۳). دینداری افراد باعث می شود تا آنها به ازدواج و تشکیل خانواده بعنوان یک امراللهی و مقدس بنگرند و به تداوم ازدواج و حفظ کانون خانواده متعهدتر باشند. به عبارت بهتر، التزام به وظایف دینی و انجام مشترک مناسک مذهبی گوناگون نظریمناز، روزه و سوگواری های مذهبی می تواند منجر به تعهد زناشویی بیشتر در روابط عاطفی و دلستگی بین زوجین گردد.

بر این اساس و در مقابل، زوجینی که دارای نگرش های مذهبی بالاتری باشند و از سبک دلستگی ایمن نیز برخوردار باشند، بیشتر احتمال دارد که همدیگر ادوس است داشته، خوش مشرب باشند، تقاضای حمایت کنند، به نحو سازدهای، احساسات منفی خود را در حل مسائل تعديل کنند و در نهایت، در حفظ روابط طولانی، کوشش بیشتری به عمل آورند (اکبری، ۱۳۹۵، ص ۸). کرکاتریک (Kirkpatrick, 1999, p.822) معتقد است که تصور خدامی تواند جاذب‌بینی برای شکست های اولیه دلستگی و پاتداوم روابط والدینی اولیه به صورت ایمن یا نایمن باشد. از نظر او، شخص دیندار ایمن باورپیش می‌رود که وقتی خطای او را تهدید می‌کند، خانواده برای محافظت و تسلى دادن، در دسترس خواهد بود. همین امر موجب اطمینان بخشی به فرد در مقابل با مسایل و مشکلات روزانه زندگی است. لوپزو و همکاران (Lopez, Riggs, Pollard & Hook, 2011, p.301) بیان کردند زوجینی که در صمیمیت و نزدیکی بین فردی مشکل داشته و سود ببرند. به این معنا که منابع اضافی حمایت اجتماعی از خانواده و تشکل های مذهبی، حس عدم دلستگی فردی را کاهش می دهد یا مانع اثرات منفی در دسترس نبودن همسر می شود. بنابراین افراد با جهت گیری مذهبی درونی و دارای سبک دلستگی اجتنابی، از تعهد زناشویی بالاتری برخوردارند. جهت گیری مذهبی بیرونی و سبک دلستگی اجتنابی، از تعهد زناشویی نیست. بنابراین نوع جهت گیری مذهبی افراد، بین سبک دلستگی اضطرابی و تعهد زناشویی نیست. بنابراین نوع جهت گیری مذهبی این تأثیری بر رابطه بین سبک دلستگی اضطرابی و تعهد زناشویی ندارد؛ چراکه زوجین دارای این نوع از سبک دلستگی، به دلیل شکست در ایجاد پیووند ایمن در کودک یا بزرگسالی، احساس

تعهد زناشویی بود که در آن به برخی از جنبه‌های زندگی خصوصی آنان اشاره شده است.

پژوهش حاضر مانند پیشتر پژوهش‌هایی که در علوم رفتاری صورت می‌گیرد با محدودیت‌هایی همراه بود که شناخت آنها، برای انجام پژوهش‌های بعدی و تلاش برای کاهش یا رفع این محدودیت‌ها، منطقی به نظر می‌رسد. از جمله مهم‌ترین محدودیتی که محققین با آن روبه رو بودند، جلب همکاری و مشارکت زوجین در پاسخ‌دهی به سؤالات آزمون تعهد زناشویی بود که در آن به برخی از جنبه‌های زندگی خصوصی آنان اشاره شده است.

در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر به طور کلی نقش تعدیل‌کننده جهت‌گیری مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلستگی و تعهد زناشویی را تأیید کرد. یافته‌ها علاوه بر تأکید واهتمام بررسی کیفیت دینداری در بین زوج‌های دلسته نایمن و اثرات آن بر تعهد زناشویی، تلویحی مشاوره‌ای نیز بدنیال دارد و آن این که به دلیل افزایش نسیمی آمار عهدشکنی و خیانت، به نظر می‌رسد آموزش‌های مشاوره‌ای نزد هنرکام با هدف آشنایی زوجین با مفهوم و جایگاه تعهد در ازدواج و آگاه‌سازی خانواده‌ها از نحوه شکل‌گیری روابط بین فردی در فرزندان و نوع سبک دلستگی افراد، بتواند به رشد و تقویت هرچه بیشتر احساس تعهد در زوجین و درنتیجه، ثبات و پایداری ازدواج‌ها کمک کند.

امنیت، همدلی و پذیرش ندارند و ممکن است به هیچ‌وجه به دنبال برقراری رابطه ایمن با افراد نزدیک خود نباشند و مذهب و نوع دینداری نیز تأثیری بر کاهش این نایمنی و افزایش تعهد زناشویی نداشته باشد.

## فهرست منابع:

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۳.
- ۱. آسکندری، حسین؛ هادی، سعیده؛ سهراوی، فرازه؛ معتمدی، عبدالله و فرخی، نورعلی (۱۳۹۲) (ش)، «رابطه سبک‌های دلستگی با تعهد زناشویی در افراد مرتبه بی‌وقایی زناشویی»، پژوهش‌های مشاوره، دوره ۱۵، ش. ۶، ص ۴۱-۵۵.
- ۲. اسماعیلی، مصوده (۱۳۹۳) (ش)، «اللهُ الْكَوْنِي خانواده‌مرانی سهم‌گذاری در حل تعارضات خانواده»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌رومانی، دوره ۵، ش. ۲۰، ص ۱۷-۲۲.
- ۳. اکبری، نجمن (۱۳۹۵) (ش)، «رابطه نگرش مذهبی با سبک‌های دلستگی و سودستی روان‌شناسی در دانشجویان متقارضی طلاق»، پژوهش‌اری و مامایی جامع‌تکرش، ۸، ص ۸-۱.
- ۴. بلافت، رضا؛ احمدی، هادی و گلزاری مقدم، نجفه (۱۳۹۵) (ش)، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان متاهل دانشگاه سپیستان و بلوچستان»، پژوهش در نظام‌های آموزشی، دوره ۱۰، ش. ۲۳، ص ۱۶۷-۱۸۷.
- ۵. پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰) (ش)، «بررسی ارتباط بین دلستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی»، پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- ۶. حدادی کوهساریانی، اکبر و غباری بناب، باقر (۱۳۹۳) (ش)، «رابطه تصور فرد از خدا و روان پردازی»، فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، دوره ۴، ش. ۱۱، ص ۵-۶۷.
- ۷. خسنه‌مده، رضا؛ احمدی میلانی، منیزه و سدانی، منصوره (۱۳۹۳) (ش)، «دقش تعديل کننده تعهد دینی در رابطه بین سبک‌های دلستگی تائینی و صمیمیت زناشویی»، روان‌شناسی معاصر، ش. ۹، ص ۴۴-۵۴.
- ۸. خوارزمی، سودا (۱۳۹۵) (ش)، «بررسی رابطه بین سبک‌های دلستگی با گرایش به روابط خارج از ادilage زنان شاغل بمندرجات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هرمنگان واحد بین‌الملل.
- ۹. دلار علی (۱۳۸۰) (ش)، «روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی»، تهران: نشر و پریش.
- ۱۰. رازع گلزاری، مصوده؛ ابراهیمی مقدم، حسینی و ابولعلی الحسینی، خدیجه (۱۳۹۳) (ش)، «پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس نیازهای بین‌دین روان‌شناسی و صمیمیت با واسطه‌گری تمایزی‌گری جود»، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، دوره ۱۵، ش. ۱، ص ۵-۷۴.
- ۱۱. صادقی، مسعود؛ قادری جاوید، سارا و شلالی، نی (۱۳۹۸) (ش)، «پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های دلستگی و جهت‌گیری دینی در دانشجویان متاهل»، مجله پژوهش در دین و سلامت، دوره ۵، ش. ۳، ص ۱۸-۳۳.
- ۱۲. علی‌الی سرحشنه، ابوالفضل (۱۳۸۴) (ش)، «بررسی روابط ساده و چندگانه نگرش مذهبی، خوش‌بینی و سبک‌های دلستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان مرد متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۱۳. عباسی مولید، حسین (۱۳۸۸) (ش)، «بررسی تأثیر آموخت گروهی واقعیت‌دramاتی بر تعهد زناشویی زوجین خمینی شهر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۱۴. عبداللهی، نیروه (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه تعهد زناشویی با سبک دلستگی و تمایزی‌افزونگی خود»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهریور چمران اهواز.
۱۵. عبدی، محمدرضی؛ خوش‌کش، اولاقاسم؛ پیورابراهیم، تقی و محمدی، روح‌الله (۱۳۹۲)، «بررسی سبک دلستگی و رضالت زناشویی افراد متاهل درگیر خیانت اینترنتی»، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی، مسلٰ هشتم، ش. ۳، ص. ۱۳۵-۱۵۸.
۱۶. فتحی، الهم احمدی، احمد؛ حاتمی، ابولفضل و گرجی، زهرا (۱۳۹۱)، «رابطه بین سبک‌های دلستگی، تعهد زناشویی و رضالتمندی زناشویی در دانشجویان متاهل دانشگاه علامه طباطبائی»، زن و مطالعات خانواده، دوره ۵، ش. ۱۸، ص. ۳۶-۴۸.
۱۷. قبیری هاشم‌آبادی، بهرام علی؛ حاتمی وزره، ابولفضل؛ اسمعیلی، معصومه و فرح‌بخش، کیمپورث (۱۳۹۱)، «ارابطه بین سبک‌های فرزندپروری، دلستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی»، زن و جماعت، دوره ۲، ش. ۸، ص. ۳۹-۴۰.
۱۸. کیانی، احمددرضا؛ فرج‌بخش، کیمپورث؛ شیرعلی پیور، اصغر و اسدی، مسعود (۱۳۸۹)، «بعد جهت‌گیری مذهبی و مرزهای ارباطی خانواده، یک همبستگی بین‌دای»، روان‌شناسی و دین، مسلٰ سوم، ش. ۳، ص. ۹۳-۱۰۶.
۱۹. محمدی، بهنائزه‌اکار، کیانی‌ش؛ داویبا، رضا و شاکری؛ محمد (۱۳۹۲)، «بررسی نقش پیدایشی و ابعاد آن در پیش‌بینی تعهد زناشویی کارشناس سازمان بهزیستی خراسان شمالی»، دین و سلامت، دوره ۲، ش. ۱، ص. ۱۵-۲۳.
۲۰. ناصر زهراء (۱۳۹۱)، «مقابلسه تعهد و رضالت زناشویی در سطح مختلف تقدیم مذهبی دانشجویان متأهل»، پیان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم روزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۲۱. نوروزیزاده میلانچی، مسعود (۱۳۹۴)، «از خداآگاهی تا سلامت روان؛ آیمنون یک مدل با کاربرد تحلیل مسیر»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناسی، دوره ۱، ش. ۱، ص. ۵-۴۲.
۲۲. هادی، سعیده؛ اسكندری، حسین؛ سهرابی، فرامرز؛ معتمدی، عبدالله و فرجی، نورعلی (۱۳۹۳)، «اصدال ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های دلستگی و منغیزهای میانجی خودکشتری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه (در افراد دارای روابط فرازناشوی عاطفی)»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ش. ۲۸، ص. ۳۳-۵۰.

## ب) لایین

1. Adams, J. M. & Jones, T (1997), "the conceptualization of marital commitment: An integrative analysis", Journal of personality and social psychology, 72, 1177-1196.
2. Allport, G. W & Ross, J. M (1967), "personal religious orientation and Prejudice", Journal of personality and social psychology, 5, 423-443.
3. Amoto, P.R (2004), "Studying marital interaction and commitment with survey data", J Marriage Fam. 2353-70 :.
4. Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986), The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations, Journal of personality and social psychology, 51(6), 1173.
5. Bogaerts, S., Daalder, A. L., Van Der Knaap, L. M., Kunst, M. J., & Buschman, J. (2008), Critical

- incident, adult attachment style, and posttraumatic stress disorder: A comparison of three groups of security workers. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 36(8), 1063–1072.
6. Call, V. R. A., & Heaton, T. B. (1997). "Religious influence on marital stability", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36(3):382–92.
7. Collins, N., & Feeney, B. (2000). "A safe haven: An attachment theory perspective on support seeking and caregiving in intimate relationships", *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 1053–1073.
8. DeMaris, A., Mahoney, A., & Pargament, K. I. (2010). "Sanctification of marriage and general religiousness as buffers of the effects of marital inequity", *Journal of Family Issues*, 31, 1255–1278.
9. DeWall, C. N., Lambert, N. M., Slotter, E. B., Pond Jr, R. S., Deckman, T., Finkel, E. J., ... & Fincham, F. D. (2011). "So far away from one's partner, yet so close to romantic alternatives: an avoidant attachment, interest in alternatives, and infidelity", *Journal of personality and social psychology*, 101(6), 1302–1316.
10. Donahue, J. M., Benson, L. P. (1995). "Religion and well-being of adolescents", *Social Issues*, 51:60–145.
11. Dudley, M., & Kosinski, F. (1990). "Religiosity and marital satisfaction: A research note", *Review of Religious Research*, 32, 78–86.
12. Frazier, P. A., Tix, A. P., & Barron, K. E. (2004). Testing moderator and mediator effects in counseling psychology research. *Journal of counseling psychology*, 51(1), 115
13. Gall, T. L. (2006). Spirituality and coping with life stress among adult survivors of childhood sexual abuse. *Child abuse & neglect*, 30(7), 829–844.
14. Granqvist, P., & Kirkpatrick, L. A. (2008). Attachment and religious representation. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.). *Handbook of attachment: theory, research, and clinical applications*, New York: Guilford Press.
15. Hammon, D. KH (2005). Black men and marriage: the impact of spirituality, religiosity and marital commitment on marital satisfaction, Unpublished doctoral dissertation, Alabama University.
16. Haseley, J., L. (2006). Marital satisfaction among newly married couples: Associations with religiosity andromantic attachment style, Dissertation Prepared for the Degree of Doctor of Philosophy, University of North Texas.
17. Hunlner OS, Gencoz T (2005), "The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction Relationship", *Contemporary Family Therapy*, 27,123–136.
18. Johnson, M.P. (1999). "Personal, moral, and structural commitment to relationships: Experiences of choice and constraint. In *Handbook of interpersonal commitment and relationship stability*", J.M. Adams and W.H. Jones, eds. New York: Kluwer Academic, 73–87

19. Judy, A. (2006), Understanding the contribution of relative commitment to the link between romantic attachment and jealousy, unpublished doctoral dissertation, university of Carolina.
20. Kirkpatrick, L. A (1999), Attachment and religious representations and behavior. In J ,Cassidy & P. R. Shaver (Eds.). Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications , New York: Guilford.
21. Lambert, N. M., & Dollahite, David C (2008), "The Threefold Cord: Marital Commitment in Religious Couples ",*Journal of Family Issues*, 29: 592-614
22. Lopez, J. Riggs, S., Pollard, S., & Hook, J (2011), "Religious commitment, adult attachment, and marital adjustment in newly married couples ",*Journal of Family Psychology*, 25, 301 -309
23. Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital solution -focused between religiosity and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 27(1), 123-36.
24. Mattingly, B. A., Wilson, K., Clark, E. M., Bequette, A. W., & Weidler, D. J. (2010). Foggy faithfulness: Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample. *Journal of Family Issues*, 31(11), 1465 -1480.
25. Nelson, J. A., Kirk, A. M., Ane, P., & Serres, S. A. (2011), Religious and spiritual values and moral commitment in marriage: Untapped resources in couples counseling?. *Counseling and Values*, 55(2), 228-246.
26. Papalia, D.F (2002),*A Childs world:infancy through adolescence*, new York:McGraw -hill.
27. Pistol, m.c, lorance, c.v (1999), "Attachment and commitment in college student's romantic relationships ",*Journal of college student development*. 40, 6, 710.
28. Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. (2012), Religiosity, homogamy, and marital adjustment:An examination of newlyweds in first marriages and remarriages. *Journal of Family Issues*, 33(2), 246-268.
29. Shaver, P., Schachner, D., & Mikulincer, M (2005), "Attachment style, excessive reassurance seeking, relationship processes, and depression ", *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 343-359.
30. Shields, E. P (2001).The effect of religiosity and marital Commitment on marital satisfaction and stability, Unpublished doctoral dissertation: Brigham Young University.
31. Simpson, J. A., Rhodes, W. S., & Nelligan, J. S (1992), "Support seeking and support giving within couples in an anxiety -provoking situation: The role of attachment styles ", *Journal of personality and Social Psychology*, 62, 434-446.
32. Sullivan KT (2001), "Understanding the relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples ", *Journal of family psychology*, 15(4):610-626